

دارستان: آخرین آبادی حاشیه لوت

هدف و روش مطالعه

اطلاعات نگارنده درباره آبادی دارستان، حاصل مسافرتی تحقیقاتی به دشت لوت است که در آبان ماه ۱۳۴۷ انجام گرفت. هدف نگارنده در این مسافرت مطالعه آبادیهای حاشیه لوت که نمودار آخرین حد پیشرفت و نفوذ انسان در دشت لوت می باشند، بود. مطالعه این آبادیها از نظر چگونگی سازش انسان با شرایط خاص محیط طبیعی و بررسی روشی که در راه ایجاد این سازش، مورد استفاده انسان قرار گرفته و مطالعه نوع اقتصاد حاصل از ترکیب دو عامل انسان و طبیعت، اطلاعات جالبی در زمینه جغرافیای انسانی این منطقه، در اختیار ما قرار می دهد. برای رسیدن به منظور و هدف فوق وضع خاص جغرافیایی دارستان در حاشیه دشت لوت در مسافرت سال گذشته مورد مطالعه و بررسی قرار گرفت.

برای روشن نمودن مسائل انسانی و روستایی آبادی دارستان، نگارنده (۱) قریب ۱۵ روز در محل توقف کرده و مسائلی چون قانون و روش تقسیم آب، نوع مسکن، به ویژه شکل مالکیت و بهره برداری از زمین را مورد مطالعه قرار داده و در موارد ضروری نیز نقشه هایی در مورد طرز تقسیم آب و نوع مسکن و غیره تهیه نموده است. همچنین در موارد لازم به جمع آوری ارقام و اعداد (۲) مورد نیاز نیز پرداخته ولی نظر به اینکه در آبان ماه ۱۳۴۷ یعنی زمانی که این آبادی مورد مطالعه قرار گرفته است، بواسطه خاتمه نیافتن مراحل اصلاحات ارضی، دهات دارستان از نقطه نظر اقتصادی در شرایط متزلزل، ناآبایت و نامتعادلی قرار داشتند از اینرو نگارنده سعی کرده است، زیاد روی ارقام و اعداد تکیه نکند و کمتر به تعبیر و تفسیر آنها بپردازد و در مقابل بیشتر وقت مطالعه را به کسب اطلاعات کلی و جغرافیایی محل اختصاص داده است.

۱- مسافرت نگارنده به بیابان لوت ۲۷ روز به طول انجامید که تنها قریب ۱۵ روز آن به مطالعه دارستان اختصاص داشت و باقی وقت صرف مطالعه دهات نمونه دیگری در شهرستان بهم شد.

۲- ارقام و اعداد کسب شده نتیجه تماس با ادارات کشاورزی، آبیاری، خاک، اصلاحات ارضی و تحقیقات و سوالات در محل می باشد.

موقع جغرافیایی دارستان

آبادی دارستان در ۳۰ کیلومتری شرق شهر بم واقع شده و شهر مزبور در ۲۸ درجه و ۷ دقیقه عرض شمالی و ۵۸ درجه و ۵ دقیقه طول شرقی از نصف النهار گرینویچ قرار گرفته است. در اصطلاح محل، دارستان به دو منطقه دارستان بالا و دارستان پایین تقسیم می‌شود. مراد از دارستان بالا ده قلعه بالا و مقصود از دارستان پایین دوده رحمان آباد و الله آباد است. بنابراین آبادی دارستان، دهات سه گانه قلعه بالا، رحمان آباد و الله آباد را در بر می‌گیرد و از نظر اداری این سه دهه توسط یک کدخدا اداره می‌شوند.

تقسیمات بم و نرماشیر از لحاظ آبیاری و موقع دارستان

آب زراعتی دهات دارستان به وسیله قنات تأمین می‌شود، ولی در دهات سه گانه این منطقه نیز جمعاً ۴ حلقه چاه عمیق و نیمه عمیق موتوری نیز زده شده است. اصولاً برای تعیین وضع آبیاری دارستان در شهرستان بم مقتضی است که شهرستان مزبور را از لحاظ تأمین آب زراعتی و منبع آبی که به مصرف زراعت می‌رسد به مناطق آبیاری تقسیم نمود و اطلاعاتی درباره هر منطقه در اختیار خوانندگان محترم قرارداد. اصولاً سه منطقه مشخص آبیاری می‌توان در حوزه شهرستان بم تمیز داد:

۱- ناحیه بروات و نرماشیر (به استثنای منطقه رودآب): دهات در این منطقه اکثراً قنات کار هستند و فقط در نقاط محدودی، قریب ۵۰ الی ۶۰ چاه موتوری عمیق و نیمه عمیق زده شده و در واقع تعداد این چاههای موتوری نسبت به قنات بسیار ناچیز است. در دهات منطقه نرماشیر حفر چاهها به وسیله سالکین صورت گرفته است. طول قناتی که در منطقه مزبور واقع شده از ۶ الی ۶۰ کیلومتر می‌باشد که به ترتیب در اعماق ۸ الی ۴۰ متری به سفره آب رسیده‌اند. در منطقه بروات معمولاً در عمق بیشتری به سطح آب می‌رسند. عمق معمول در منطقه افراز، ۳۰ متر است و در پایین منطقه مزبور در عمق ۸۰ الی ۱۰۰ متری به اولین سطح آبدار می‌رسند (۱).

۱- شهرستان بم از هیجده دهستان به نامهای حومه پشت رود، بروات و خواجه عسگر (در شمال شهرستان) ریگان، فهرج و برج اکرم (در مشرق شهرستان)، عزیزآباد و پشت رود (در مرکز شهرستان)، گنبدکی، رودآب و آب گرم (در جنوب شهرستان) و دامنه و مرغک، بقیه حاشیه در صفحه بعد

۲- منطقه کوهستانی و حومه: آب روستاهای واقع در این منطقه به وسیله چشمه مارها، قنوات ورودخانه های فصلی تأمین می گردد. رود دائمی تهرود (در اصطلاح محلی قلعه زندگی) از کوههای سلسله جبال بارز واقع در منطقه راین سرچشمه گرفته و در مسیر خود تعدادی از دهات بخش راین را مشروب می سازد. در این منطقه دهات حق آبه معینی ندارند و براساس عرف محل و به نسبت نیازشان، از آب استفاده می نمایند و سپس مازاد آب به دهات زیرین می رسد و تاجایی که آب برسد استفاده می شود. مازاد رود تهرود در فصول بارندگی (زمستان- بهار) به رود بهم ملحق شده به نام رود ارك یارود قلعه ناسیده می شود و دهاتی که در مسیر این رود واقع گردیده از مازاد آب در صورت لزوم استفاده نموده و بقیه به لوت زندگی احمدی رود. رود تهرود تنها رود دائمی این منطقه است. دهاتی که به وسیله تهرود مشروب می شوند عبارتند از: دشت بزنجان، قصر میان، قصر فلنج، دك من، اخجه، چوچون، پرم نویه، سبز نویه، فتح آباد، سعد آباد علیا و سفلی، اسماعیل آباد، تهرود، شمس آباد، قلعه زندگی، ابارق، دارزین (از دارزین به بعد در صورت وجود آب استفاده می کنند)، بیدران، خواجه عسکر، پای تم، درباغ، بیژنیه، چهل تخم، اسفیکان، تمیک، حافظ آباد، پشت رود، دارستان. رودهای موقتی که در این منطقه جریان دارند عبارتند از: رود بکری، جزین مرغک و دلیجان که سرچشمه آنها برف قله سلسله جبال بارز است. رودهای مزبور همگی به رودخانه ارك یا بهم ملحق می شوند.

طول قناتها عموماً کم و در حدود ۱۰۰ مترالی ۱۵ کیلومتر است. وضع آبدهی قنوات این منطقه با قنواتی که در منطقه نرماشیر واقع گردیده قابل مقایسه نیست و علت کمبود آب این قنوات سخت بودن اراضی است (نمی تواند پیشروی کنند). در بخش حومه و کوهستانی تا عمق ۸۰ الی ۹۰ متری هم چاههایی حفر شده (قریه دارزین در ۲۸ کیلومتری غرب بهم، برای مثال) ولی به آب نرسیده اند و در نتیجه مالک ده مزبور از حفر چاه منصرف گردیده است. در پاره ای نقاط که اسکان حفر چاه وجود داشته از جمله سروسن، چاههای عمیق حفر گردیده است.

بقیه حاشیه از صفحه قبل

تهرود و ابارق (یک دهستان)، راین، کرک، حومه راین و حسین آباد (در غرب و شمال غربی شهرستان) تشکیل شده است. هفت دهستان اخیر جزو منطقه کوهستانی شهرستان به شمار آمده و دهستانهای ریگان، گنبدکی، فهرج، برج اکرم، عزیز آباد، پشت رود و رود آب جزو منطقه نرماشیر محسوب می شوند و همچنین در محل از چهار دهستان به نام های خواجه عسکر، آب گرم، دامنه و مرغک به نام دهستانهای حومه شهر نیز نام برده می شود (به نقشه شهرستان بهم مراجعه شود).

۳- منطقه رودآب: همان طور که از نام این منطقه برمی آید، آب زراعتی این منطقه از رودنسا تأمین می گردد. در فاصله سالهای ۲، ۱۳، ۳، ۴ و ۴، ۴، ۴ در اثر کمبود بارندگی، دهات تقسیمی با نقصان آب زراعتی مواجه گردیدند و در نتیجه به وسیله شرکت های تعاونی و بانک کشاورزی چاه های عمیق به تعداد ۱۰ عدد در این ناحیه حفر گردید و به این ترتیب آب زراعتی دهات مزبور تأمین وزارعینی که در سال های یاد شده بکلی فاقد زراعت صیفی بودند، در حال حاضر انواع مختلف شتوی و صیفی را برداشت می کنند و حتی باغهایی نیز در این منطقه احداث گردیده است. دهاتی که در منطقه رودآب دارای چاه موتوری هستند، عبارتند از: قطب آباد، سرزند، تاج آباد، نسا و کروک و شاید یکی دوسه دیگرم. در منطقه رودآب قنات بسیار کم است و شاید جمعاً دوسه رشته وجود داشته باشد که بسیار کم آیند.

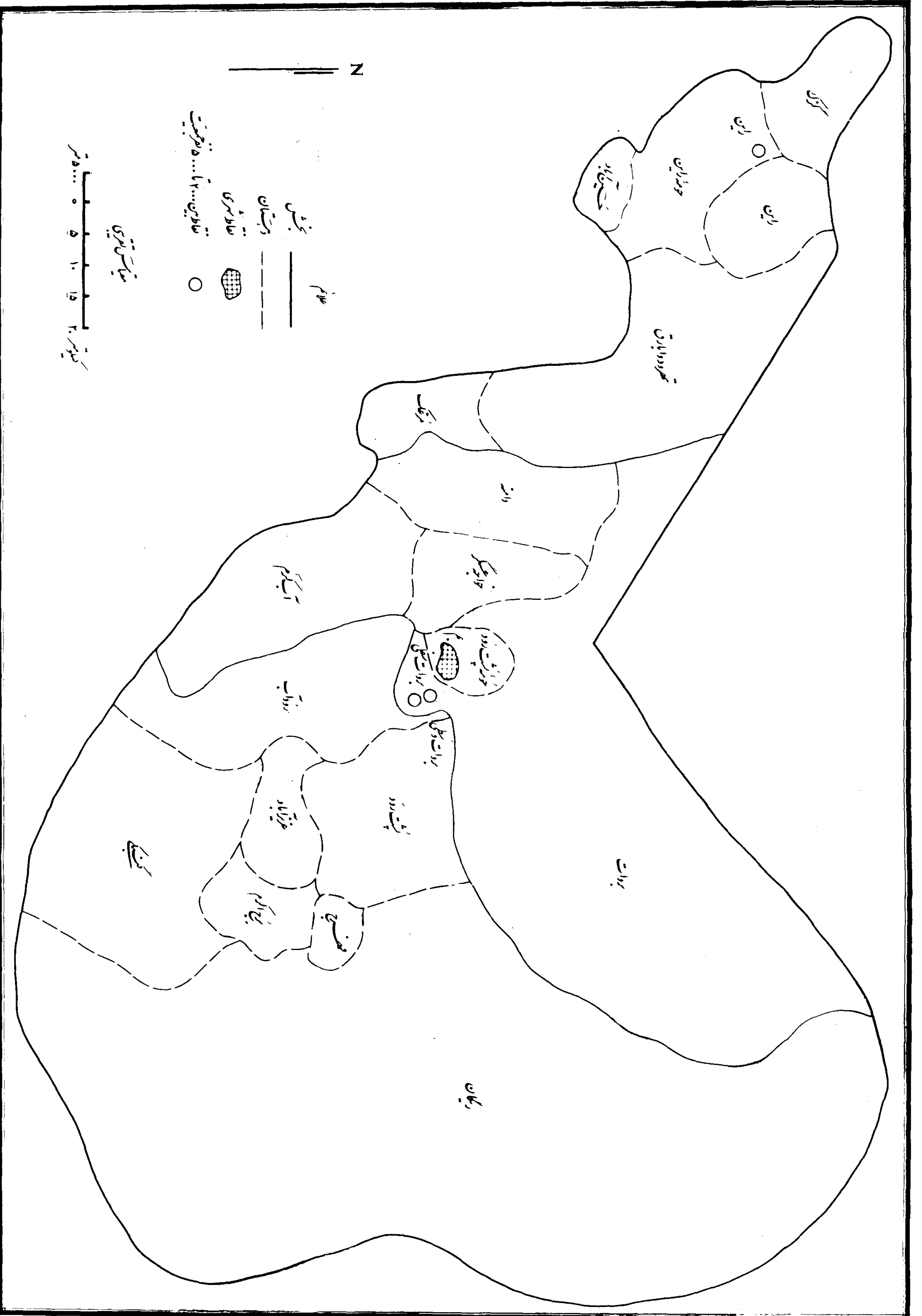
حفر قنات اصولاً مستلزم صرف سرمایه قابل توجه و وقت و زحمت زیاد در تمامی حوزه شهرستان و خاصه اطلاعات محلی سرشاری است که همگی برای به دست آوردن نتیجه مطلوب نهایت اهمیت را دارند، ولی از نظر مبلغ سرمایه، سختی طبقات و صرف وقت، وضع قنات دیه ها بایکدیگر بسیار متفاوت است. معمولاً سرکار گرمقنی ها یک نفر یزدی است و بقیه کارگران اهل بم هستند. اطلاعات محلی و کلیات مربوط به شناسایی منطقه را نیز مالکین محل در اختیار مقنی ها می گذارند.

از نکات جالب توجه در منطقه بم و نرماشیر وضع استثنایی آبهای زیرزمینی است. چون منطقه بم و نرماشیر در چاله ای پای ارتفاعات بارز قرار دارد، باید عموم آبهای زیرزمینی که از اطراف طبق شیب و ساختمان طبقات سرازیر می شوند، در این چاله در نزدیکی سطح زمین به حد وفور یافت شوند و به اغلب احتمال به همین جهت است که در بم و نرماشیر، در عمق ۵ متری به سفره آب می رسد و از این لحاظ آتیة اقتصادی بم درخشان به نظر می رسد.

تقسیمات بم و نرماشیر از لحاظ کشاورزی و موقع دارستان

آبادی دارستان در دهستان بروات واقع شده و از نقطه نظر اقتصادی و تجارتنی تنها کشت عمده اش خرما و مقداری حنا کاری است. محصولات شتوی و صیفی آن حتی برای رفع احتیاجات محلی نیز کافی نبوده و رقم ناچیزی را در برمی گیرد. برای تعیین موقع کشاورزی دارستان در شهرستان بم، مقتضی است که شهرستان مزبور را به مناطق کشاورزی تقسیم نموده و هر منطقه را به اختصار از لحاظ نوع محصول و خصوصیات کشت معرفی نماییم:

بم و نرماشیر شامل ۷۰۰ آبادی است که قریب ۴۰۰ آبادی آن در منطقه نرماشیر قرار گرفته و بقیه در منطقه بم و نواحی کوهستانی واقعند و محصولات این منطقه بیشتر گندم و جو،



نقشه شهرستان بهم

یونجه، حنا، وسمه، خرما و پرتقال است. از نظر نوع محصول، نحوه استفاده از زمین و آب و همچنین روش کشت می‌توان سه منطقه در حوزه شهرستان بم تمیز داد: ۱- بروات ۲- نرماشیر ۳- منطقه کوهستانی. این سه منطقه به واسطه خصوصیات زیر از یکدیگر متمایز می‌شوند:

۱- نرماشیر:

این منطقه ناحیه مهم کشاورزی شهرستان بم محسوب می‌شود که استعداد آن برای همه نوع محصولات شتوی و صیفی و باغی بسیار مناسب و کشاورزی آن بر پایه چند کشتی قرار دارد. بطوریکه در ۸۰٪ آبادیهای آن محصولات مختلفی از قبیل گندم و جو، ماش و لوبیا، محصولات جالیزی و سبزیجات کشت می‌شود. مشکل عمده کشاورزی منطقه نرماشیر در بهره‌برداری از زمین، کمی آب است. بطوریکه نسبت آب به مقدار زمین به مراتب کمتر از سایر مناطق کشاورزی در این شهرستان است.

۲- بروات:

این ناحیه به واسطه نزدیکی به شهر بم (۵ کیلومتری بم)، مرکز اصلی میوه‌های مشهور منطقه بم و نرماشیر گشته است و این توجه مردم را از کشاورزی به صورت عام باز داشته و آنچه باعث شهرت خرما یا نارنگی بم شده است، همین محصول معروف بروات است. به علاوه علل طبیعی دیگری باعث نقصان محصولات کشاورزی و رونق باغداری در منطقه بروات گشته است که از آن جمله باید جنس خاک را در نظر داشت. بنا به اظهار کشاورزان محلی، خاک بروات برای کشت غلات و صیفی استعداد کمتری دارد و همچنین چون در بروات زمین‌های زراعی کم و مقدار آب کافی است، عوائد حاصله از باغداری به مراتب بیشتر از محصولات کشاورزی بوده و به عبارت دیگر باغداری در این منطقه از نظر اقتصادی بیشتر مقرر به صرفه است. وجه تمایز عمده‌ای که در نوع محصولات دهات مسیر بم - دارستان و سایر دهات واقع در دهستان بروات وجود دارد اینست که در اولی درختان پرتقال همراه با درختان خرما به چشم نمی‌خورند و به اغلب احتمال می‌توان گفت که باد خیزی منطقه احتمالاً ترکیبات خاک نیز اجازه پرورش مرکبات را نداده است.

۳- منطقه کوهستانی:

برخلاف نرماشیر و بروات که اقتصاد روستایی بر منابع کشاورزی و باغداری استوار گشته و توجه مردم به دامداری کم است، در منطقه کوهستانی به واسطه شرایط طبیعی مساعد که پرورش دام را رونق داده منابع معیشت مردم بیشتر از دامداری تأمین می‌شود. با وجود این در آبادیهای کوهپایه مقدار کمی غلات و صیفی کاشته می‌شود، ولی اثری از مرکبات و خرما به چشم نمی‌خورد.

مسأله آب در آبادیهای دارستان

۱- گردش آب قنوات:

تقسیم آب هر قنات بر اصل تعداد ساعت تنظیم می شود. گردش آب هر قنات بر مدار ۱۲ یا ۱۴ طاق، پایه گذاری شده یعنی از جهت تقسیم مقدار کل آب قنات به ۱۲ یا ۱۴ پاره مجزا است که هر یک پاره را یک طاق گویند. ولی در بعضی جاها بنا به شرایط مالکیت محلی ممکن است این مقدار زیادتر شود. هر طاق ۱۲ ساعت است و به عبارت دیگر ۱۲ ساعت یک طاق محسوب می شود. به این ترتیب هر ملک یا هر قناتی اصولاً به ۶ دانگ و ۶ دانگ به ۹۶ سهم (این ۹۶ سهم به دو صورت مشاع و مفروض دیده می شود) تقسیم می شود. پس اگر گردش آب بر مدار ۱۲ طاق باشد، برابر ساعت $12 \times 12 = 144$ و در صورتیکه به مدار ۱۴ طاق باشد برابر ساعت $12 \times 14 = 168$ می شود. برای مثال ۱۴۴ ساعت آب متعلق به ۹۶ سهم است، پس اگر بخواهیم بدانیم که چند ساعت آب متعلق به ۱۶ سهم می شود بایک تناسب ساده می توانیم آنرا مشخص سازیم:

ساعت	سهم
۱۴۴	۹۶
x	۱۶
$= \frac{144 \times 16}{96} = 24$	

حق آبه هر مالک در اصل به نسبت سهمی است که برای مالک به تعداد ساعت تعیین شده است و بدین ترتیب ۶ دانگ یک قنات بین مالکان مربوط تقسیم شده و هر کس به اندازه سهمش یک ربع ساعت، نیم ساعت، دو ساعت و غیره حق استفاده از آب قنات را دارد. در استفاده از حق آبه ساعات مقرر در گردش آب رعایت می شود و هیچکس حق ندارد خارج از نوبت از آب استفاده کند. در حقیقت مالکان هر قنات در آغاز هر سال زراعتی که همراه باشد قبل از شروع کشت، ساعات گردش آب و زمان استفاده هر خرده مالک را از قنات مربوط تعیین می کنند و برای زراعت صیفی که معمولاً بعد از فروردین ماه شروع می شود، اگر لزومی به تجدید نظر در گردش آب پیدا شد در آن موقع اقدام مقتضی معمول می دارند. در هر شبانه روز، عده ای در ظرف ساعات روز و عده ای طی ساعات شب از قنات آب مربوط استفاده می کنند، ولی در گردش هفته بعد وضع معکوس می شود. با توجه به اینکه از روز شنبه یعنی ابتدای هفته آب معمولاً بر اساس ۱۲ یا ۱۴ طاق

به مدار ۶ تا ۷ شبانه روز تقسیم می شود. بنابراین مثلاً اگر روز شنبه نوبت دانگ اول باشد روز یکشنبه نوبت دانگ دوم است و به همین ترتیب ادامه دارد تا روز شنبه دیگر که باز نوبت دانگ اول برسد و این در صورتی است که مدار گردش آب قنات ۷ شبانه روز باشد، ولی اگر گردش آب قنات بر مدار ۶ شبانه روز باشد، روز جمعه یعنی یک روز زودتر نوبت دانگ اول فرا می رسد.

در جاهایی که آب قنات فقط به مصرف زراعت نرسیده و قنات برای رفع احتیاجات محل ایجاد گشته و اهالی محل در مالکیت قنات با سهم یا بی سهم هستند، مالکین قنات از اهالی آب بها دریافت می دارند که مبلغ آن باز بر حسب ساعت و میزان آن در هر محل تابع شرایط مختلفی از جمله وضع قنات، مقدار آب قنات و استعداد پرداخت مردم و غیره است. مثلاً در شهر بم آب بهای یک ساعت در سال از مبلغ ۳۰۰۰ الی ۱۰۰۰۰ ریال است. پرداخت آب بها در دهات مجاور شهر و بروات نیز صادق است، با این تفاوت که در شهر میزان آب بها و همچنین تعداد استفاده کننده نسبت به نقاط مجاور بیشتر می باشد. به استثنای شهر بم و منطقه بروات و حومه، در سایر مناطق، مالکیت آب و زمین از یکدیگر جدا نیست. در مورد طرز استفاده از آب قنات، سه صورت مختلف وجود دارد:

۱- در موردی که یک قنات به مصرف شرب یک ده می رسد. مثال: ده الله آباد در منطقه دارستان پایین که تنها از یک رشته قنات به نام الله آباد استفاده می کند.

۲- در موردی که چند ده از آب یک قنات برخوردار باشند. مثال: در منطقه دارستان: دهات قلعه بالا، رحمان آباد، محمدآباد، سعیددخت و محمدآباد نارتیچ از یک رشته قنات به نام دانگ و نیم استفاده می کنند.

۳- همچنین ممکن است یک ده از چند رشته قنات استفاده کند. مثال: سه ده بروات علیا، وسطی و سفلی.

نظر به اینکه دو مثال اول یعنی قنات الله آباد و سعیدآباد دانگ و نیم متعلق به منطقه دارستان هستند، در زیر به بحث درباره نحوه تقسیم آب هر یک از آنها می پردازیم.

۲- طرز تقسیم آب قنات الله آباد و سعیدآباد دانگ و نیم:

روش تقسیم آب قنات الله آباد، نمونه برای دهاتی است که تنها به وسیله یک رشته

قنات مشروب می گردند. در این مورد طرز تقسیم آب یک قنات میان املاک یک ده کاملاً ساده است. قنات الله آباد سه مالک اصلی دارد و ۳ الی ۴ نفر زارع که به موجب قانون اصلاحات ارضی صاحب زمین و آب شده اند. این قنات پس از آنکه وارد ده مورد نظر شد به مدار ۶ شبانه روز (۱۲ طاق) تقسیم می شود. مالکین به نسبت مالکیت خود (از زمین و آب که معمولاً سهم زمین بیش از آب است چه رعایت مقدار زمین زیر آیش می شود) از آب قنات سهم می برند. مثلاً اگر مالکی یک دانگ از قریه مزبور را مالک باشد صاحب دو طاق آب است، زیرا ۶ دانگ ملک شامل ۱۲ طاق آب است که برابر ساعت $24 = 2 \times 12$ می شود.

طرز تقسیم آب قنات دانگ ونیم نمونه ای است که نشان می دهد چگونه آب یک رشته قنات بین چند ده تقسیم می گردد. آب قنات نامبرده در منطقه دارستان بین دهات قلعه بالا، رحمان آباد، محمدآباد سعیددخت و محمدآباد نارتیچ بشرح زیر تقسیم می گردد (به کروکی مربوط مراجعه شود).

در جنوب شهر بم، رشته قنات سعیدآباد در حدود ۲۰۰ متر در جنوب قریه فخرآباد با جهت شمالی - جنوبی و رشته قنات دانگ ونیم در حدود ۱۰۰ متر در جنوب غربی قریه فخرآباد با جهت شمال غربی - جنوب شرقی پایین آمده و در نقطه ای در حدود ۳ کیلومتر جنوب قریه فخرآباد به یکدیگر پیوسته و تشکیل یک رشته قنات به نام دانگ ونیم را می دهند. سپس قنات مزبور، ۸ کیلومتر پایین آمده و به دوازده قسمت که به نام ۱۲ قسمی نارتیچ معروف است تقسیم می شود. از این ۱۲ قسمت یک قسمت به قریه محمدآباد نارتیچ می آید که خودش به ۱۲ طاق به مدار ۶ شبانه روز تقسیم می شود. ۱۱ سهم دیگر باز حدود ده متر پایین آمده و به دو قسمت که به نام دو قسمی نزدیک نارتیچ موسوم است، تقسیم می شود. یکی از این دو قسمت به نام رشته قنات محمدآباد سعیددخت و قلعه بالا پایین آمده و خود آن هم به دو قسمت به نام دو قسمی

۱- این قنات کلاً ۸ گاوبند آب دارد. گاوبند اصطلاحی محلی است که در مورد زراعت و مقدار محصول استعمال می شود. معمولاً یک جفت گاورا که به خیش می بندند تا یک روز زمینی را شخم بزنند یک گاوبند گویند و مثلاً دهی که بتواند ۶ روز یک گاوبند زراعت داشته باشد، گویند مقدار آب آن یا محصول آن ۶ گاوبند است. هر گاوبند حدود ۱۰ من بذرافشان دارد.

پشت گذار تقسیم می‌شود. یکی از این دو قسمت قریب ۶ کیلومتر پایین آمده و قریه محمدآباد سعیددخت را مشروب می‌کند و در اینجا به ۱ طاق به مدار ۷ شبانه روز تقسیم می‌شود. مقسم دیگر متعلق به دو مقسمی پشت گذار، پایین می‌آید. مقسم دوم نزدیک نارتیچ به نام رشته قنات رحمان آباد سه کیلومتر پایین آمده و به ۱ مقسم تقسیم می‌شود که به نام ۱ مقسمی پشت گذار معروف است. یکی از ۱ مقسم پایین آمده و با مقسم دوم پشت گذار یکی می‌شود و تقریباً ۲ کیلومتر پایین آمده به قریه قلعه بالا می‌رسد و در اینجا به ۲ طاق به مدار ۶ شبانه - روز تقسیم می‌شود. ۳ مقسم دیگر از ۱ مقسم پشت گذار، قریب ۱ کیلومتر پایین آمده به قریه رحمان آباد می‌رسد و در آنجا به ۲ طاق به مدار ۶ شبانه روز تقسیم می‌شود. به این ترتیب، طبق نمونه فوق، ملاحظه می‌شود که به چه ترتیب آب یک رشته قنات ممکن است بین دهات مختلف تقسیم گردد. این حالت در شهرستان بم کمتر پیش می‌آید و معمولاً هر دیه قناتی مخصوص به خود دارد.

۳- اختلافات ناشی از مسأله آب:

قبل از اینکه از مبحث آب دور افتاده و به بحث درباره منابع معیشت در دارستان مبادرت گردد، یکی دو مورد از اختلافات ناشی از مسأله آب را که نگارنده در دارستان شاهد بوده است در زیر توصیف می‌نماید:

یک نمونه از اختلافات بین مالک و زارع در قریه الله‌آباد چنین است که زارعین از پرداخت اجاره به مالک خودداری نموده و مالک نیز از پرداخت مخارج تعمیر قنات استنکاف می‌نماید و مدعی است که زارعین در عوض اجاره‌ای که موظفند به او بپردازند بایستی لاقل قنات را تعمیر کنند. از طرف دیگر زارعین نیز اظهار می‌دارند که برای محصولی که نکاشته‌اند، چگونه می‌توانند اجاره پرداخت کنند. البته آنچه مسلم است، این است که اگر قنات تعمیر می‌شد و در نتیجه آب برای کشت وجود می‌داشت، حتی اگر خرده مالکین هم اجاره را نمی‌پرداختند، مأمور اصلاحات ارضی می‌توانست آنرا به نفع مالک وصول کند. بنابراین، می‌توان گفت که تقصیر بیشتر متوجه مالک است. در سال زراعی ۷۰، اداره اصلاحات ارضی برای حل این معما پیشنهاد جالبی به زارعین نمود. طبق این پیشنهاد هر یک از زارعین باید مبلغ ۱۰۰ تومان

به منظور تعمیر قنات برویهم بگذارند و این مبلغ را شرکت تعاونی به صورت وام به آنها بپردازد. اما زارعین از روی مخالفت و شاید لجبازی با مالک این پیشنهاد را نپذیرفتند (لغایت . ۳ آبانماه ۱۳۴۷) و این شاید نتیجه حسن انتقام جویی و عدم اعتمادی است که بعد از اجرای مراحل اصلاحات ارضی بین مالک و زارع (خرده مالک جدید) پدید آمده است و باعث گردیده است که عمران و آبادی برخی از روستاها بکنند انجام گیرد^۱. صرفنظر از دهه الله آباد، دهات رحمان آباد و قلعه بالا نیز هریک، به ترتیب قریب ۴ سال و ۲ سال بود که بر اثر کمی آب و خشک شدن قناتهای مربوط، تقریباً فاقد کشت شتوی و صیفی بودند. کدخدای این محل اظهار می داشت تا زمانی که تکلیف مرحله دوم اصلاحات ارضی، در این منطقه کاملاً روشن نشود وضع قناتهایی که احتیاج به تعمیر یا حفر چاه جدید دارند و طبیعتاً مستلزم مخارجی است که بایستی بین مالک و زارع تقسیم گردد، معلوم و مشخص نمی شود و در حقیقت زدن چاه برای اهالی این منطقه صرف نمی کند (مگر برای آبیاری نخلستانهای خرما و حنا کاری که متعلق به مالکین می باشد) و تنها راه علاج، توافق بین زارع و مالک است تا هر دو با هم به تعمیر قنات اقدام ورزند و در واقع اشکال کار اینست که مالکین برای خود چاه زده اند و دیگر احتیاج به قنات ندارند. بنابراین راه حل نهایی قاعدتاً اینست که یا مالک سهم قنات خود را به زارعین بفروشد و یا با توافق با خرده مالکین تن به تعمیر قنات در دهد. در اینجا لازم است یادآوری شود که دارستان از جمله مناطق استثنایی است که اختلافات بین مالک و زارع از نقطه نظر مراحل اصلاحات ارضی کاملاً حل و فصل نشده است (در آبان ماه ۴۷).

از جمله مسائل دیگر مورد اختلاف در این منطقه، مسئله حفر چاههایی است در نزدیکی قناتهای قدیمی و در نتیجه خشکانیدن آنها می باشد. این مسئله نیز در دهه الله آباد مصداق دارد. بطوریکه در فاصله . . ۲ متری قنات الله آباد، مالکی چاه سوتوری زده است (در الله آباد دره متری

۱- تطبیق هر قانون هر قدر نیز از لحاظ اصول مفید باشد با هر محیط طبیعی یا انسانی در ابتدا با سوانح و مشکلات فراوانی مواجه می گردد و تنها عامل مرور زمان است که می تواند قانون مورد نظر را تثبیت و تعدیل کند و آنرا به تدریج سازگار با محیط فکر عامه نموده و بشمر ثمر سازد.

به آب می‌رسند). در این جا می‌توان گفت که این قصور و کوتاهی اداره آبیاری محل است که در چنین مواردی گواهی یا جواز حفرچاه صادر می‌کند. دخالت در این قبیل امور تنها در شان اداره آبیاری بوده و در صلاحیت و قدرت اداره اصلاحات ارضی نیست.

منابع معیشت در دارستان

۱- کشاورزی:

الف - باغداری و ضمائم آن: تنها محصولی که از مرغداری در منطقه دارستان به دست

می‌آید، خرما است. محصول خرما در منطقه بم و نرماشیر چهار نوع است که عبارتند از:

۱- مضافتی ۲- کروت ۳- خروک که خودش چند نوع است. ۴- حلپله‌ای

که بسیار کم تولید شده و جنبه صادراتی ندارد.

نوع اول یا مضافتی دارای رنگ سیاه و هسته کوچک بوده و پر گوشت و لطیف است و از

هر نظر بهترین نوع خرما در منطقه بم و نرماشیر محسوب می‌شود. خرمای مضافتی از قرار کیلویی

حداکثر ۲ ریال به فروش می‌رسد و گرانترین نوع خرمای این منطقه است.

نوع دوم یا خرمای کروت، زرد رنگ و هسته درشت بوده و شهد آن زیادتر و بیشتر از نوع

اول است و قیمت آن کیلویی ۱ ریال است.

نوع سوم یا خرمای خروک طعم خاصی دارد، نوع سرغوبی نیست و بیشتر بی بضاعتها

از آن استفاده می‌کنند و به مصرف غذای حیوانات نیز می‌رسد. این نوع خرما از قرار کیلویی

۲ تا ۳ ریال ارزش دارد.

نوع چهارم یا خرمای حلپله‌ای گرد و زرد رنگ بوده و دارای طعم خوبی است، ولی جزء

انواع بازرگانی نیست و برای مصرف شخصی فراهم می‌شود و به اغلب احتمال این بدانجهت

است که به علت لطافت خاص این نوع خرما نگاهداری آن به مدت طویل میسر نیست و بایستی

بلافاصله پس از چیدن از درخت مصرف شود. خرما در دارستان بیشتر از نوع مضافتی است و

پس از آن نوع کروت اهمیت دارد. محصول خرما در این منطقه نسبتاً خوب است، ولی در ده

کرك واقع در مسیر جادهٔ بم - دارستان (۱ کیلومتری شمال شرقی بم) بهتر است، زیرا این قریه باد کمتری دارد و به اغلب احتمال شوری خاک آن نیز کمتر می باشد.

درخت خرما می تواند ۵ الی ۱۰ سال عمر کند، ولی دورهٔ باروری و شادابی آن از ۱۵ سالگی به بعد است که به تدریج، سالیانه بین ۳ الی ۱۰ کیلو محصول دارد. محصول سالیانهٔ هر درخت ثابت نیست و معمولاً یکسان در میان درخت محصول خوب دارد و تولید متوسط سالیانهٔ هر درخت در حدود ۳ کیلو است. در تابستان فعالیت عمدهٔ اهالی برداشت محصولاتی مثل گندم و جو و مخصوصاً انجام کارهای مقدماتی مخصوص برداشت محصول خرما است. این فعالیتها عبارت می شوند از آستان کردن درختان خرما (در اصطلاح محلی بو دادن یا گشن گیری) - بستن خوشه های خرما - جمع آوری محصول خرما - آفتاب دادن خرما و بالاخره بسته بندی کردن محصول. خرما در اول شهریورماه برداشت می شود و خریداران خرما جهت معامله به روستاها می روند.

محصول خرما در منطقهٔ دارستان کلاً در حدود ۱۸ خروار می باشد که به ترتیب: ده قلعه بالا و خروار (متعلق به یک مالک) - ده رحمان آباد و خروار (متعلق به سه مالک) و ده الله آباد و خروار (متعلق به سه مالک) از آنرا تولید می کنند.

مالکان این نخلستانها همه در بم زندگی می کنند و نخلستانهای خود را اجاره می دهند. مستأجر محصول را برداشت نموده یا جهت فروش به شهر حمل می نماید و یا با خریداران خرما که به روستا آمده اند معامله می نماید.

ده قلعه بالا از آب دو رشته قنات به نام های امیرآباد و سعیدآباد دانگ ونیم استفاده می کند. شش دانگ قنات امیرآباد اختصاص به قلعه بالا دارد ولی شش دانگ قنات سعیدآباد دانگ ونیم به دهات محمدآباد نار تیچ - محمدآباد سعیددخت قلعه بالا و رحمان آباد متعلق است.

مالکان این قنات پنج تن هستند که سهم های نامتساوی دارند. مالک قنات امیرآباد تنها یک نفر است که مالک محصول خرما و حنای قریه می باشد و آب قنات سزبور را تنها به مصرف آبیاری خرما و حنا می رساند. این مالک همچنین دارای یک حلقه چاه عمیق است (در این قریه در ۳ متری به آب می رسند) که به وسیلهٔ آن کمبود آب قنات امیرآباد را جهت آبیاری دو محصول خرما و حنا جبران می نماید.



چنانکه ذکر گردید، قریه رحمان آباد دارای خروار محصول خرما است که متعلق به سه مالک می باشد. یکی از این سه مالک سه دانگ و دوفرد دیگر هر کدام یک دانگ ونیم آنرا مالک هستند. این قریه از قنات سعید آباد استفاده می کند. در این قریه دو حلقه چاه نیمه عمیق نیز زده شده است که یکی متعلق به یک مالک و دیگری متعلق به سه مالک است (در رحمان - آباد در ۳۴ متری به آب می رسند). در منطقه بهم و نرماشیر زدن چاه های عمیق ونیمه عمیق سوتوری تنها برای آبیاری محصولاتی چون خرما و مرکبات و حنا کاری مقرون به صرفه است و چون آبادیهای دارستان فاقد مرکبات است بیشتر آب این چاه ها به مصرف آبیاری نخاستانهای خرما و حنا کاری می رسد.

قریه الله آباد دارای قریب ۹ خروار محصول خرما است که متعلق به سه مالک می باشد. این قریه از قناتی به همان نام استفاده می نماید و دارای یک حلقه چاه سوتوری است که متعلق به یکی از سه مالک محصول خرما است. این همان چاهی است که باعث خشکاندن قنات الله آباد شده است و شرح آن پیش از این داده شد.

ب- شتوی و صیفی : کشت دیه های سه گانه منطقه دارستان شامل محصولاتی

چون گندم و جو - حنا - خیار - ماش و لوبیا - هندوانه - یونجه - پیاز و هویج می گردد (فقط دهات قلعه بالا و رحمان آباد دارای کشت حنا می باشند و قریه الله آباد فاقد حنا کاری است) و بر رویهم بالغ بر قریب ۵۰ خروار با آیش می شود. مقدار کشت زمینی بدون آیش به نسبت سه بر یک است، یعنی ۱۵ خروار.

ده دارستان بالا (قلعه بالا) با حدود ۱۲ خانوار ویا قریب ۶ نفر جمعیت، دارای ۱۵ خروار کشت با آیش و ۱۵ خروار بدون آیش است. زمینهای کشاورزی در این قریه در اجاره ۳ ساله ۱۲ نفر است (۱ جفت گاو). حنا کاری در این قریه تقریباً سه هکتار است و با توجه به اینکه دو محصول خرما و حنا (دو محصولی که مشمول اصلاحات ارضی نشده اند)، تنها محصولات صادراتی و سهم منطقه دارستان به شمار می آیند. بجاست که مختصری هم درباره طرز کشت حنا تذکر داده شود:

۱- در واقع یک هکتار ویا ده هزار متر مربع برابر است با ۴۰۰۰ متر مربع و هر سن مساوی است با ۲۵۰ متر مربع و بنابراین یک هکتار مساویست با ۴۰۰۰ متر و ۷/۵ هکتار برابر یک خروار.

تخم حنارا در بهار می کارند و در تیرماه آنرا نشا کرده و سپس در تیرماه سال بعد آنرا برداشت می کنند (این برداشت اول به نام دروی گرما نامیده می شود). متعاقب برداشت اول در آبانماه همان سال، حنا برای دومین بار برداشت می شود (این برداشت دوم را دروی قوسی می نامند). تابستان که موقع آبیاری است حنارا هر پنج یا شش روز یکبار آب می دهند، ولی اگر آب داشته باشند گردش آب را به هر سه روز یکبار قرار می دهد، زیرا آبیاری در فواصل سه روزه برای کشت حنا مناسب تر است. ضمناً باید دانست که از نظر شرایط طبیعی حنا در زمین شور نمی روید. حنارا پس از غربال کردن در گونی هایی که گنجایش ۰ کیلو دارند می ریزند و سپس تجاریز دی در مزرعه، این گونی ها را تحویل گرفته به یزد می برند و در آنجا حنارا آسیا کرده به صورت گرد در می آورند و از آنجا به عراق و قسمتهای مختلف ایران ارسال می دارند. از هر هکتار زمین بطور متوسط، در حدود ۴ خروار حنا در دوچین بدست می آید و حنای چوب زده و غربال شده در مزرعه که در گونی ریخته باشند، از قرار خرواری ۱۰۰۰ تومان به فروش می رسد. قریه قلعه بالا که در پاییز سال ۱۳۴۷ مورد مشاهده و مطالعه نگارنده قرار گرفت، قریب دو سال بود که بر اثر کمی آب، در آن چیزی نکاشته بودند.

قریه رحمان آباد با حدود ۶۰ الی ۷۰ نفر جمعیت دارای ۲۰۰ خروار کشت با آیش و قریب ۶۷ خروار بدون آیش می باشد. کشت این قریه پس از اجرای اصلاحات ارضی به اجاره ۳۰ ساله ۲۰ تن زارع درآمد امست. در پاییز سال ۷۴ قریب ۴ سال بود که این قریه بر اثر کمی آب کشت نمی شد و قنات قریه قریب ۴ الی ۵ سال بود که خشک شده بود. در حال حاضر قریب ۲۰ نفر در دوده رحمان آباد و الله آباد که دارستان پایین را تشکیل می دهند، زندگی می کنند؛ در حالی که در حدود سه چهار سال قبل (سه چهار سال قبل از آبان ۷۴) زمانی که مشکل کم آبی و خشک شدن قنات به صورت فعلی (آبانماه ۷۴) محسوس نبود، در دارستان پایین قریب ۸۵ نفر زندگی می کرده اند که به تدریج به علل فقر و کم آبی و خشک شدن قنات، خانه اصلی خود را ترك گفته و در جستجوی کار به نواحی بندر عباس - کرمان و جیرفت می روند و به کار عملگی می پردازند و هر دوسه ماه یکبار پس از آنکه ذخیره ای اندوختند به ده خود مراجعت نموده و دوسه ماهی می مانند و همینکه پول های اندوخته را خرج کردند، مجدداً به دنبال کار به

نواحی مزبور می‌روند.

قریه الله‌آباد دارای ۱۰۰ خروار کشت با آیش و ۳۳ خروار بدون آیش است. در یک دانگ الله‌آباد مرحله اول اصلاحات ارضی انجام شده و تکلیف نیم دانگش تا آبان‌ماه سال ۷۴ هنوز معلوم نبود. دانگ ونیم مزبور متعلق به ۴ نفر خرده مالک می‌باشد و ۵/۴ دانگ دیگر این قریه در اجاره ۳ ساله ۸ نفر است. در سال زراعی ۷۴ قریب دو سال بود که این قریه به علت کم‌آبی و خشکی قنات الله‌آباد کشتی نداشت.

بنا به اظهار روستائیان، گندم و جو از قرار تخمی ۱ تخم محصول می‌دهد و یک هکتار زمین زیر کشت گندم بطور متوسط، سالیانه ۱ الی ۲ تن و همان مقدار زمین زیر کشت جو قریب ۱/۵ تن محصول می‌دهد. یونجه در منطقه کوهستانی ۵ چین و در سایر نقاط شهرستان بم ۷ چین است. در زمان حاضر زراعت در اکثر نقاط منطقه نرماشیر به وسیله تراکتور انجام می‌شود و تنها در منطقه کوهستانی و بروات است که استعمال تراکتور معمول نبوده و مقرون به صرفه نیز نمی‌باشد. روستاهای سه گانه دارستان که در دهستان بروات واقعند، زمین را به وسیله جفت گاو شخم می‌زنند. قبل از اصلاحات ارضی در منطقه بم و نرماشیر گندم و جو و یونجه و حبوبات به نسبت ۷٪ مالک (۱٪ از ۷۰٪ حق مباشر می‌باشد) و ۳٪ زارع و حنا و یونجه و رنگ به نسبت پنج یک یعنی ۴ قسمت مالک و یک قسمت زارع (کلیه مخارج به عهده مالک و کار از زارع) بین آنها تقسیم می‌شده است.

اهالی دهات منطقه دارستان و علی‌آباد و یزدان‌آباد (دو ده اخیر در منتهی‌الیه جاده بم دارستان و در حاشیه بیابان لوت واقعند) همه کرمانی هستند و بلوچ در این ناحیه وجود ندارد. در اینجا زراعت سبزیکاری انجام نمی‌گیرد و از درختان گز انگبین دار که به آنها سرگز گویند استفاده نمی‌شود، زیرا این درختان به اندازه کافی تنومند نیستند که شیره بدهند.

۲- گله‌داری :

گله‌داری به معنی کلمه در دارستان وجود ندارد و اصولاً حیوان‌داری تنها به عنوان مکمل فعالیت‌های زراعی و بطور بسیار جزئی انجام می‌گیرد. در دارستان پایین قریب ۳۰۰ رأس گوسفند که بیشتر بز هستند وجود دارد. در این ناحیه بیشتر شیربزه‌ها را بزغاله‌ها می‌خورند.

همچنین در منطقه مزبور گاو نیز در حدود ۳ رأس وجود دارد که ع رأس آن متعلق به کدخداست. شتر در این منطقه اصلاً وجود ندارد. اصولاً برای زارعین منطقه دارستان حیوان داری پایه و اساس معیشت و تأمین زندگی نیست و فقط بطور شخصی و جزئی انجام گرفته و درصد ناچیزی از کل عوائد آنها را تشکیل می دهد.

۳- صنایع خانگی:

در دارستان صنایع خانگی چندان رونقی ندارد و فقط زنان روستا گاهگاهی بطور جزئی بکارهایی چون بافتن کرباس و چادر شب اشتغال دارند.

۴- کارگری:

کارگری به دو صورت در دارستان دیده می شود: یکی به صورت مرئی و در محل انجام می گیرد و دیگری صورتی نامرئی داشته و ذیلاً تحت عنوان نامرئی مورد بررسی قرار خواهد گرفت. کارگری در حالت اول اشتغالاتی چون باغبانی (باغبانان نخلستانها درازاء مبلغی قراردادی محصول خرما را مالکان را سواظبت و نگاهداری می کنند) ، چینه کشی ، نجاری و غیره را دربر می گیرد.

۵- عواید نامرئی :

این دسته از عواید اشتغالاتی چون کاسبی، معاملات محلی و اجاره داری، باربری به وسیله حیوانات، پیمه وری (یا کسب متحرک، به اینصورت که پیمه وران اشیاء مورد احتیاج زندگی روزمره از قبیل چای، قند، پارچه، زغال، صابون و غیره را از بازارهای شهر (بم) خریداری نموده و بروستا می آورند و با قیمتی گرانتر بفروش می رسانند) شامل می شود. کارگری به صورت نامرئی پدیده ایست که از سکنه متحرک محل ناشی می گردد. همچنانکه در پیش از این توصیف شد، سالیانه تعدادی از سکنه دارستان در جستجوی کار محل بوسی خود را ترك گفته و به نواحی اطراف چون بندر عباس، جیرفت، سیرجان، بم و کرمان می روند و با اشتغال به کارهای مختلف در محل های مزبور ذخیره ای می اندوزند. البته برداشتن رد پای دقیق این عواید اعم از مرئی و نامرئی بس دشوار و مستلزم مطالعه ای جدا گانه است و نگارنده نمی تواند ارقام آماری صحیح و معینی جهت این گونه ذکر نماید.

نوع مسکن در دارستان

در منطقه دارستان می توان دو نوع مسکن مشخص و متمایز تمیز داد:

۱- مساکن قلعه‌ای: این نوع مساکن دارای برجهایی می باشند (به عکس های ضمیمه که از برج های قریه رحمان آباد در دارستان پایین برداشته شده است مراجعه شود) و این برج ها برجهایی قدیمی و تاریخی هستند که دارای سوراخ های دیده بانی بوده و به منظور حفظ امنیت، نگهبانی و تیراندازی به دشمن ساخته شده اند ، این برج ها از قدیم-الایام باقی مانده و به مرور زمان خانواده های روستایی در آن سکونت گزیده اند . زندگی در داخله این قلعه ها به طور مجتمع و یا دسته جمعی است و در اصطلاح محلی این نوع مسکن را «بنگاه» می گویند. در عکس های ضمیمه داخله این برج ها یا قلعه ها را در همان قریه رحمان آباد می توان دید . در درون قسمت شمال این قلعه ها اطاق های نشیمن با درهای کوتاه و سقف های بلند دیده می شوند که در هر یک ، یک خانوار زندگی می کند و در سمت جنوب اصطبل های حیوانات و محل هایی جهت نگهداری مرغ و خروس به چشم می خورند . البته لازم به تذکر نیست که وجود درهای کوتاه و سقف های بلند، در مناطق حاشیه لوت، انعکاس محیط طبیعی را در توجیه فعالیت های انسانی به خوبی نشان داده و یک نوع تطابق و سازگاری خاص با محیط طبیعی را نشان می دهد. در داخل این اطاق های نشیمن و سائل زندگی بسیار ابتدایی است و معمولاً عبارت است از یک دست رختخواب، یک چراغ نفتی، یک بخاری دیواری، چاله مخصوصی برای افروختن آتش در زمستان و یا جهت پختن یا گرم کردن چیزی (بطور کلی در تمام حوزه شهرستان بم در فصل زمستان از کرسی استفاده نمی شود و حداکثر از یک سطل آتش استفاده می کنند). آب آشامیدنی از قنات است و آنرا با حلب به خانه آورده و در مشک نگهداری می کنند. وجود حوض در وسط خانه های شبیه به قلعه و یا واحدهای مسکونی مجزای حوزه شهرستان بم مانند سایر نقاط ایران معمول نبوده و همچنین استفاده از سماور در محل رسوم نیست.

۲- مساکن گنبدی: این نوع مسکن را در ده علی آباد یافتیم . این نوع دوم نیز

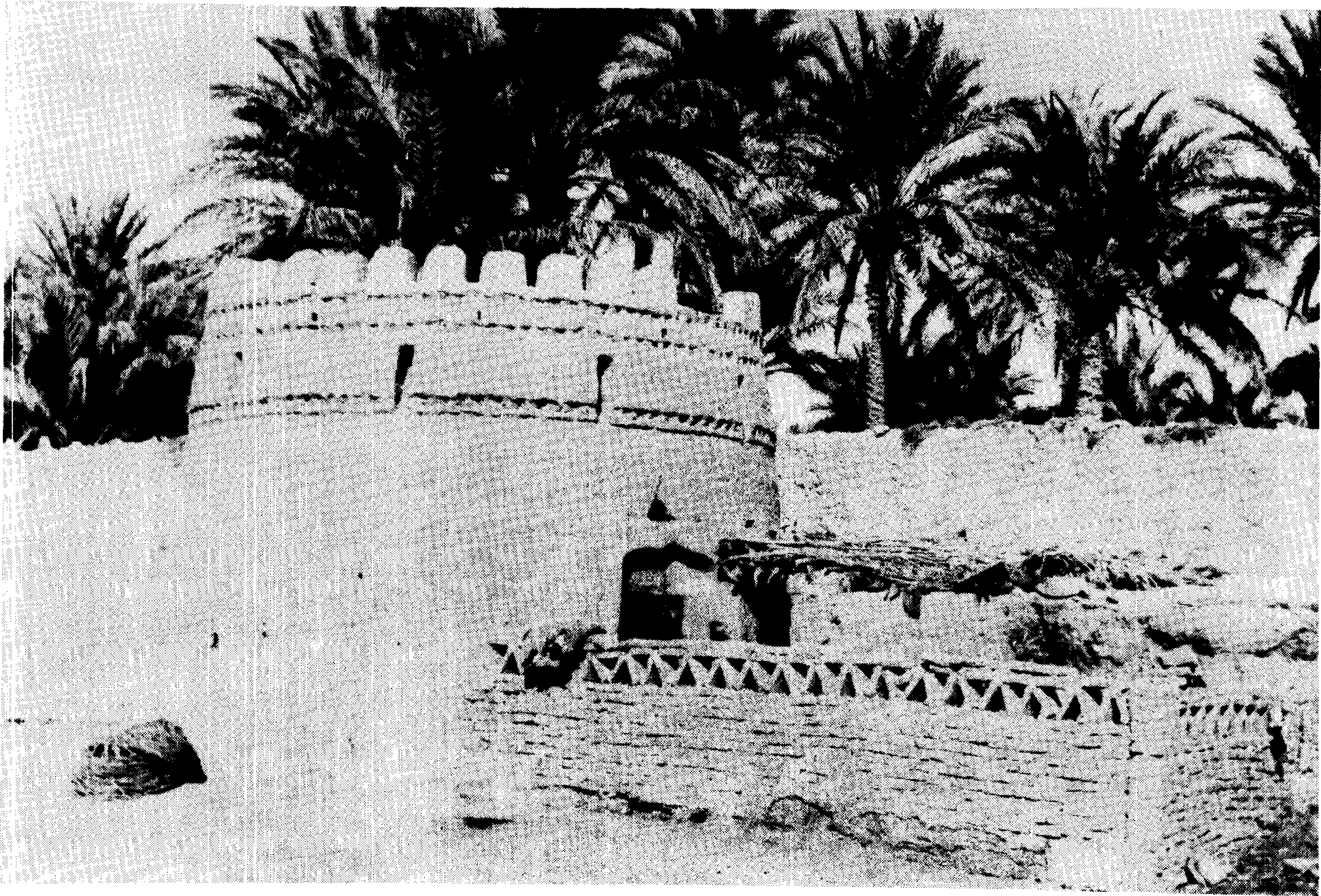
۱- این ده مجاور آبادی دارستان و تقریباً در منتهی الیه جاده بم-دارستان (قبل از ←

مجتمع و دستجمعی است و باز دارای درهای کوتاه و سقفهای بلند است با این تفاوت که سقفها شکلی هلالی دارند و در روی هر یک از آنها بادگیرهایی روبه جهت بیابان لوت و وزش باد گذارده و در هنگام وزش بادهای شدید در بادگیرها را می بندند. اطاقهای نشیمن باز مثل نوع اول طرف شمال و آفتابگیر بوده و در سمت جنوب حیوانات و طیور نگهداری می شوند (به عکسهای ضمیمه مراجعه شود).

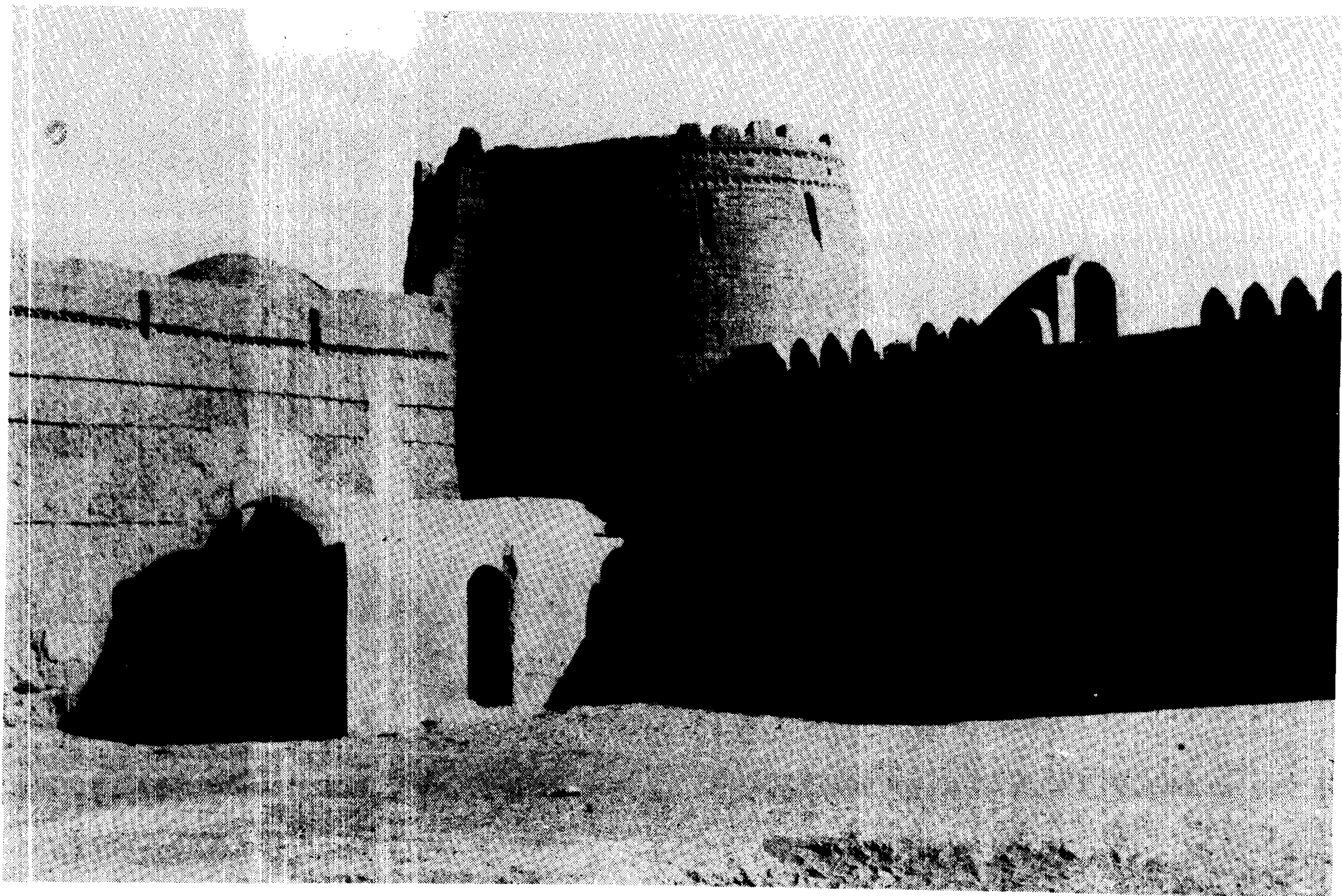
در واقع در این دو نوع مسکن از یکطرف درهای کوتاه مانعی در مقابل ورود گرد و غبار ناشی از بادهای شدید به داخل اطاقها است و از طرف دیگر با ساختن سقفهای بلند و گذاردن بادگیرها در روی سقفهای هلالی از گرمای شدید تابستان نیز تا حدی جلوگیری شده است. بطور کلی برای وجود مسکن مجتمع «بنگاه» در قبال واحدهای مسکونی مجزا (که خاصه در مناطق فهرج و پروات دیده می شوند) دلایل مختلفی می توان برشمرد که از آن جمله عبارتند از:

- ۱- به منظور حفظ امنیت و به علت عدم ایمنی از حملات دشمن.
- ۲- نوع منازل مجتمع در اصل احتمالاً به خاطر کم آبی و تجمع به دور حلقه های قنات بوده است.

→ آخرین آبادی که یزدان آباد نام دارد) واقع شده است. قریه مزبور ۸ خانوار و یا ۳ نفر جمعیت دارد و قریب ۱۰ الی ۲۰ سال است که بوجود آمده و جزو منطقه دارستان پایین محسوب نگشته و ده مستقلی بشمار می آید. این قریه از آب یک رشته قنات به نام علی آباد استفاده می کند که ۶ طاق آن متعلق به ۸ نفر خرده مالک و ۷ طاق دیگر متعلق به یک تن مالک است. این قریه قریب ۸ خروار نخلستان دارد که متعلق به مالک منحصر بفرد است و کشت قریه قریب ۵ خروار (با آیش) است. از نظر وضع مالکیت ۵ دانگ علی آباد متعلق به زارعین و تکلیف یک دانگ دیگر هنوز معلوم نشده است. وضع قنات علی آباد (به سراتب از منطقه دارستان بهتر و آب آن بیشتر است و بدین جهت در این قریه برعکس دهات مجاور هنوز نیز (آبان ماه ۷۷) زراعت ادامه دارد ولی مقدار کشت بر اثر کم آبی تا قریب ۷ خروار تقلیل یافته است. آخرین آبادی در منتهی الیه جاده هم - دارستان یزدان آباد نام دارد که مطالعه خاصی به روی آن انجام نگرفته است.

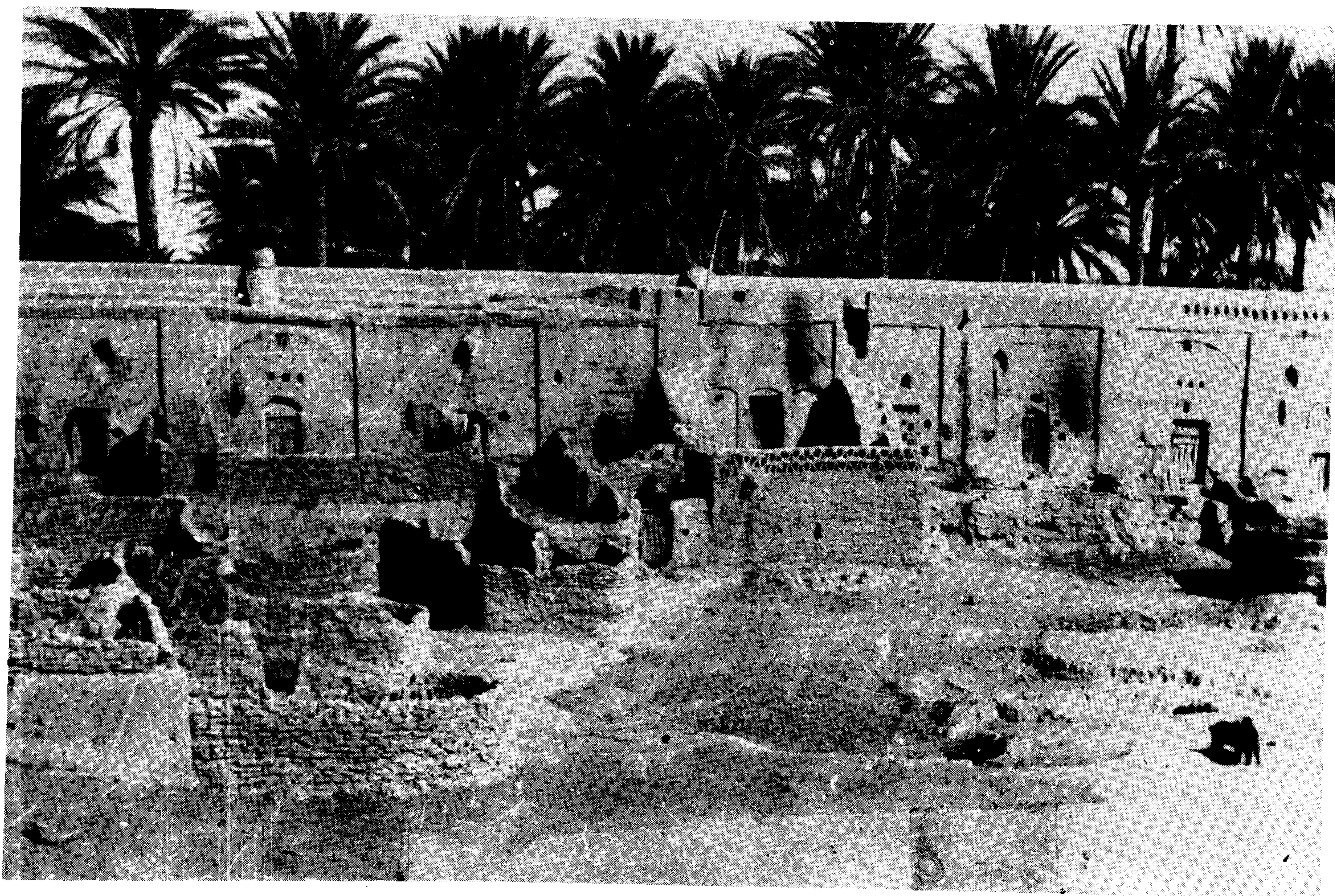


شکل ۱- یکی از برج‌های دارستان پایین

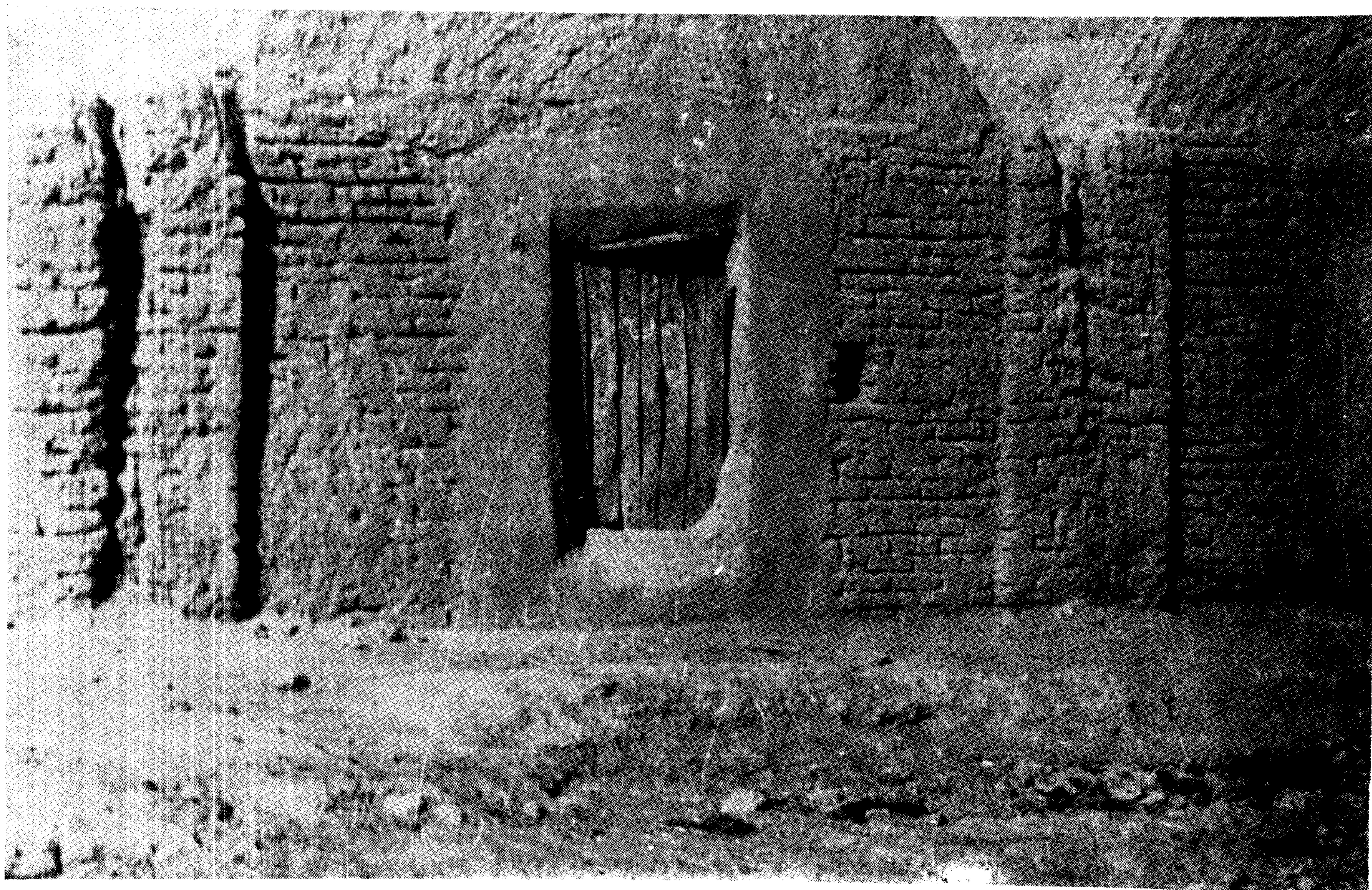


شکل ۲- یکی دیگر از برج‌های دارستان پایین



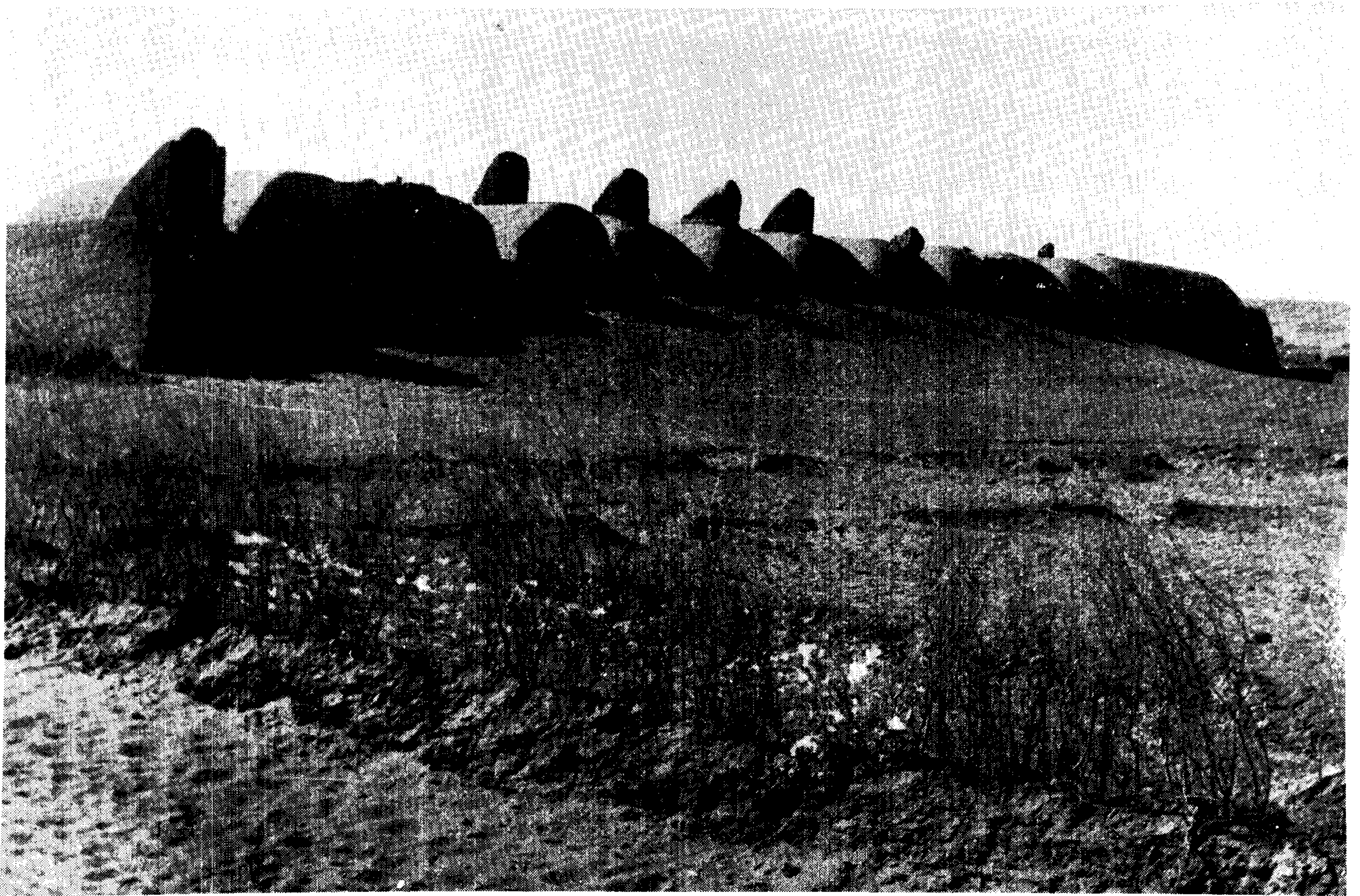


شکل ۳- درون یکی از قلعه‌های مسکونی دارستان پایین



شکل ۴- خانه روستایی در علی‌آباد دارستان

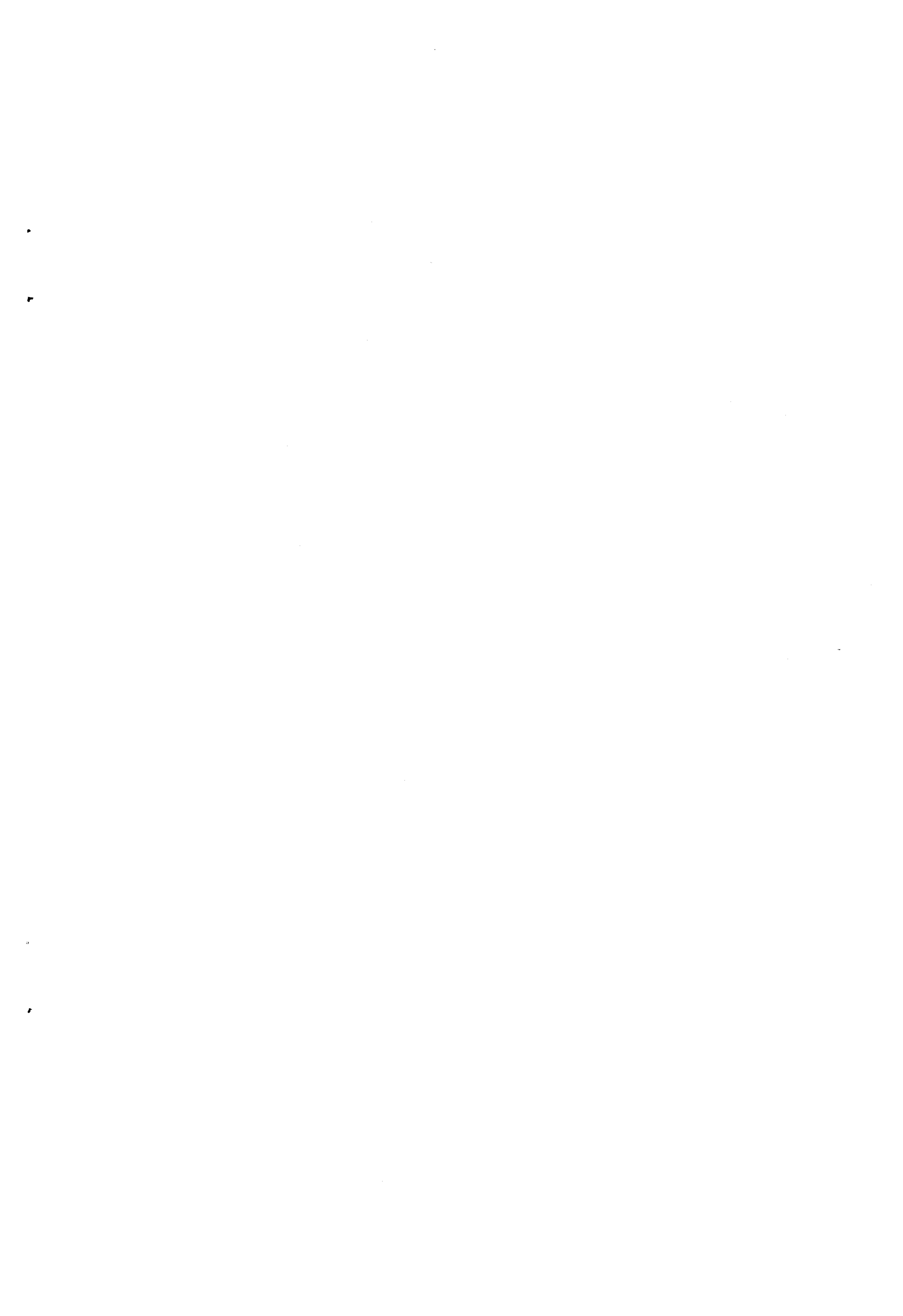


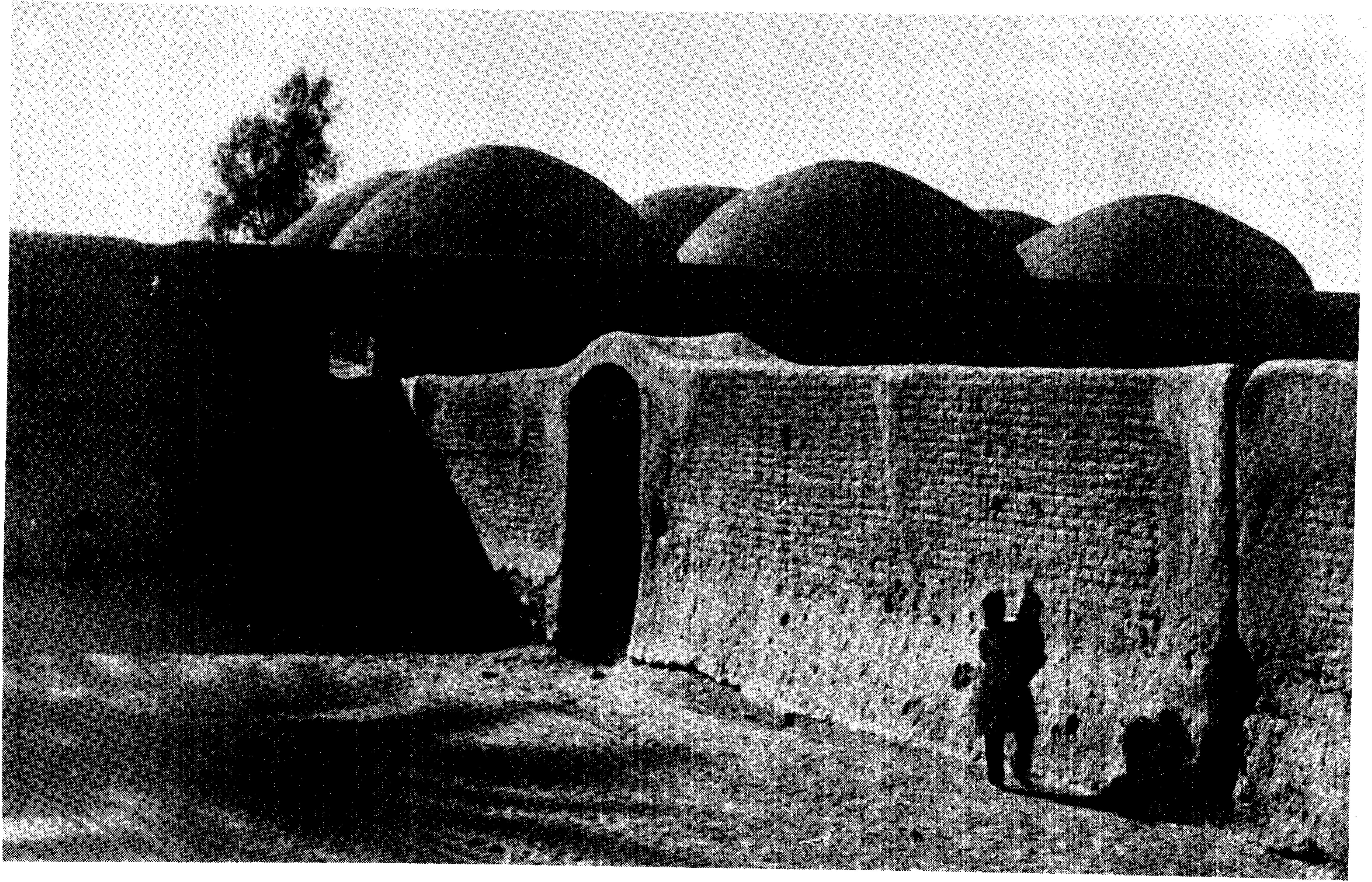


شکل ۵- خانه‌های خشتی ضربی با سقف لوله‌ای و بادگیر در علی‌آباد



شکل ۶- نمونه‌ای از نخلستان در دارستان





شکل ۷- خانه‌های گنبدی شکل در بروات باخست و پوشش از کاه گل



شکل ۸- آخرین منظره از آب و درخت در یزدان آباد در مشرق اراستان